

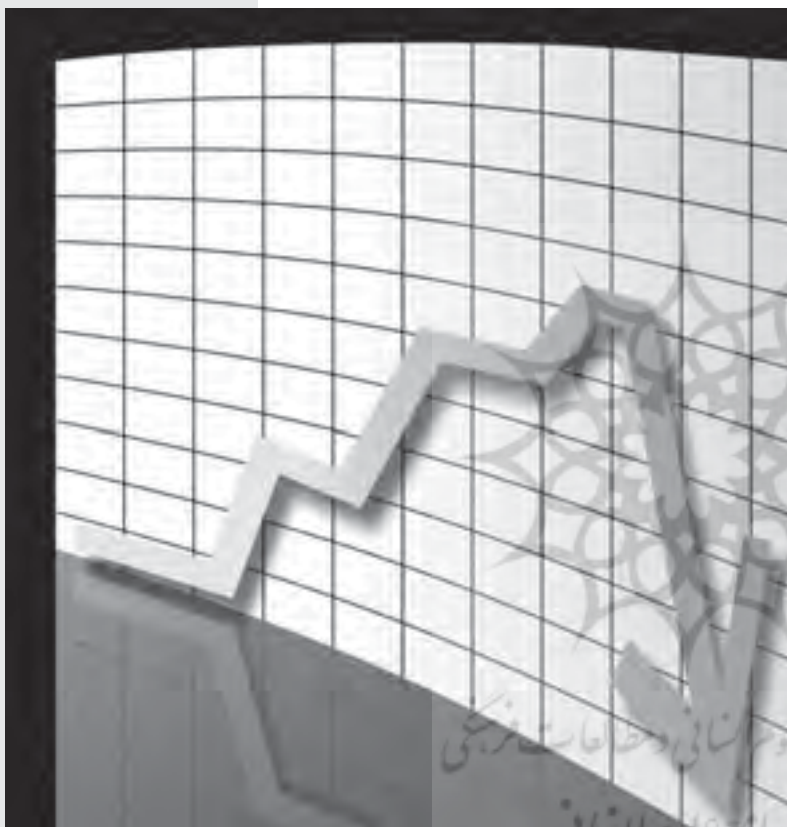
# مدیریت ریسک نقدینگی در شرایط بحرانی در بانک‌ها

دکتر ناصر ایزدی نیا

عضو هیأت علمی گروه حسابداری دانشگاه اصفهان

نسرین علیقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه اصفهان



وقتی که نقدینگی بانک کافی نباشد...

## چکیده

صنعت بانکداری رشته منحصر به فردی است و در خیلی از جوانب با سایر صنایع متفاوت است. بانک‌ها یکی از واحدهای عمده بازار پولی و مالی هستند که با تجهیز منابع خود و هدایت و تخصیص این منابع به طرح‌های مختلف اقتصادی- اعم از دولتی و خصوصی- تأمین کننده اصلی منابع مالی این طرح‌ها به شمار می‌روند.

داشتن نقدینگی کافی، در موفقیت بانک‌ها برای انجام کارکردشان نقش حیاتی بازی می‌کند. در واقع، نقدینگی، توانایی بانک را برای کاهش بدهی‌ها و افزایش دارایی‌ها بالا می‌برد. زمانی که بانک نقد کافی نداشته باشد، ممکن است با بحران نقدینگی مواجه شود.

در این مقاله، تلاش می‌شود تا موقعیت بحران نقدینگی در بانک‌ها، بررسی شود. سپس شرایطی که باعث به وجود آمدن این حالت در بانک‌ها می‌شود، بیان می‌شود و راهکارهایی برای عبور از بحران مطرح خواهد شد. در بخش پایانی مقاله نیز مدلی ارائه می‌شود که به وسیله آن، بتوان بحران نقدینگی را پیش‌بینی کرد و با کمک سناریوهای ارائه شده، آن را کنترل نمود.

## پیشگفتار

بحران مالی اخیر که در آمریکا آغاز شد، به سرعت تبدیل به یک بحران با گستره بازارهای مالی جهان گردید. این پدیده، مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی است که در سال ۲۰۰۵ اولین بار ظاهر شد و همچنان ادامه دارد. مشخصه اصلی این بحران، کاهش میزان نقدینگی در نظام بانکی و اعتباری می‌باشد (Wagner, 2007). براساس اطلاعات منتشره از مؤسسه جی‌پی مورگان، میزان دیون پرداخت نشده معادل ۱/۵ تریلیون دلار است که مبلغ ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار آن مربوط به تأمین مالی نظام‌مند حاصل از دیون مشتریان فاقد اعتبار و دیون بانکی وام‌های با ریسک کمتر و اوراق قرضه دارای پشتوانه وام‌های تجاری است (خدادادی،

۱۳۸۷). در شرایط بحران مالی، برای حفظ پایداری و ثبات، نقدینگی اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. موقعیت کنونی جهان و بحران مالی موجود، انگیزه‌ای شد تا وضعیت بانک‌ها در شرایط بحرانی مورد بررسی قرار گیرد.

## ماهیت نقدینگی

نقدینگی، توانایی بانک را در اصلاح و کاهش بدهی‌ها و توانایی‌اش را در افزایش دارایی‌ها نشان می‌دهد. یک بانک زمانی نقدینگی کافی دارد که بتواند وجوه کافی را هم از طریق افزایش بدهی‌ها و هم از طریق تبدیل دارایی‌های نقد به وجوه نقد، به سرعت و با یک هزینه قابل قبول بدست آورد و بحران نقدینگی ممکن است زمانی در بانک بوجود آید که بانک در وضعیتی قرار

نقدینگی، توانایی بانک را برای کاهش بدهی‌ها و افزایش دارایی‌ها بالا می‌برد.

## نقدینگی در بازارهای مالی با نقدینگی در بانک‌ها متفاوت است.



مؤسسات نظارتی مانند کمیته بال و همچنین بانک‌های مرکزی کشورها باید مواظب وضعیت کفایت سرمایه بانک‌ها باشند.

است، اما در شرایط بحران نقدینگی، بازار پول یا سرمایه در وضع خوبی قرار ندارند و تهیه منابع مورد نیاز برای وام‌ها ممکن نیست. از طرف دیگر، وجوه خریداری شده بانک به سررسید خود می‌رسند و بانک مجبور است برای آن‌ها نیز تأمین مالی کند (Gai et al, 2007). در کنار این مسایل، ممکن است مهلت وام‌های بانک به سر برسد، ولی از سوی وام‌گیرندگان بازپرداخت نشود و به همین دلیل، میزان وام‌های بد رو به افزایش می‌گذارد (Hickson & Turner, 1996).

این موضوع را می‌توان به طریق دیگری هم بیان کرد: در صورتی که نتیجه گردش جریان‌های وجه نقد ورودی و خروجی مثبت باشد، مشکل کمبود نقدینگی وجود نخواهد داشت، اما چنانچه نتیجه جریان‌های وجه نقد منفی باشد، در

گیرد که ذخیره‌های دارایی نقدش را مورد استفاده قرار دهد و قادر نباشد بدهی‌های سررسید شده‌اش را جایگزین کند. پیامد این موقعیت آن است که بانک مجبور می‌شود دارایی‌های با نقدینگی کمتر را به قیمت پایین (قیمت حراج) بفروشد. بدیهی است که این عمل، باعث ضعیف شدن سرمایه پایه بانک می‌شود و به بانک ضرر می‌رساند (Falconer, 2001).

فدرال رزرو، مدیریت نقدینگی را چنین تعریف می‌کند: مدیریت نقدینگی دارایی‌ها، فرایند مدیریت گسترش بین بهره کسب شده و بهره پرداختی است، به صورتی که نقدینگی کافی را تضمین کند. بنابراین، مدیریت نقدینگی دو بخش دارد: مدیریت دارایی‌های نقد و مدیریت نرخ بهره (همان، ۲۰۰۱).

اقدامی که در شرایط بحرانی از طرف بانک‌ها دیده می‌شود، این است که بانک‌ها به سمت این هدف متمایل می‌شوند که درآمدهای بهره‌ای را بیش از ارزششان نشان دهند. این راهکار یک راه حل کوتاه مدت است و ادامه دادن آن، منجر به زیان‌های استراتژیک می‌شود (Fiedler et al, 2002).

### تفاوت بحران نقدینگی در بانک و بازارهای مالی

نقدینگی در بازارهای مالی و بانک‌ها متفاوت است. بانک‌ها در شرایط بحرانی، مقدار فزاینده‌ای نقدینگی را تضمین می‌کنند، در حالی که بازارهای مالی آسیب پذیرترند و سرمایه‌گذاران سریعاً موقعیت خود را در بازار تغییر می‌دهند. همچنین در بازارهای مالی امکان استفاده از ابزارهای نوین وجود دارد که هزینه‌های واسطه‌ای را کاهش می‌دهد و در نتیجه، از ایجاد ریسک‌های جدید جلوگیری می‌کند (Gai et al, 2007).

### شرایط بروز بحران نقدینگی در بانک‌ها

گرفتن سپرده‌های کوتاه مدت و دادن وام بلندمدت، پایه تجارت در بانک‌ها محسوب می‌شود. درجه بالای نقدینگی معمولاً با سطوح بالای اهرم مرتبط است (Cle-enti, 2001). اعطای وام به مشتریان نیاز به نقدینگی بالایی دارد و تأمین مالی برای آن‌ها هم پایداری را کاهش می‌دهد. این موضوع در شرایط عادی تجاری مقوله‌ای حل شدنی است، زیرا بازارها در شرایطی هستند که این تأمین مالی امکان‌پذیر



آن صورت، بانک با کسری نقدینگی مواجه می‌گردد (دارمین و بیسادا، ۱۳۸۵). به همین دلیل است که گفته می‌شود در شرایط بحران در بازار پول یا سرمایه، نقدینگی بانک زیان می‌بیند و درصد بالایی از بانک‌ها با عدم پرداخت دیون مواجه می‌شوند. شوک‌های بازار، بانک‌ها را مجبور می‌کند تا برای حفظ بقایشان، دارایی‌هایشان را به قیمت‌های حراج بفروشند، که این خود همانند وارد آمدن شوک دیگری به بازارهای پولی و سرمایه است (Hazli et al, 2008).

### راهکارها

دانستن موقعیت بانک، بانکداران را قادر می‌سازد تا نیازهای نقدینگی را تحلیل کنند و محدودیت‌های مهم را تشخیص دهند و خطوط مورد نظر برای تأمین مالی را فراهم آورند.

در کشورهایی که بانک‌ها کارکرد داخلی دارند، اوضاع به گونه‌ای است که هر یک از آن‌ها استخرهای جداگانه نقدینگی دارند؛ این اولین خط تدافعی در مقابل بحران نقدینگی محسوب می‌شود (Clementi, 2001). بانک‌های ایران نیز به همین صورت عمل می‌کنند و بنابراین، از این مزیت برخوردارند.

برای عبور از بحران نقدینگی، حفظ اندوخته‌ها و دارایی‌های نقد به اندازه کافی لازم است. نقدینگی کافی مانند زیرساختی است که جلوی نوسانات و زیان‌های غیرمنتظره را می‌گیرد. بانک‌ها همچنین در تأمین مالی باید تنوع بکار ببرند و از ابزارها و بازارهای مختلف استفاده کنند.

موقعیت سرمایه بانک می‌تواند روی توانایی بانک در بدست آوردن نقدینگی کافی در شرایط بحرانی تأثیر داشته باشد. بانک‌ها باید کفایت سرمایه لازم را برای تضمین نقدینگی

داشته باشند (Mansoor Khan and Ishaq Bhatti, 2008). در این شرایط است که نقش بانک مرکزی پررنگ‌تر می‌شود و لازم است که بانک مرکزی نظارت دقیقی در این زمینه داشته باشد. برای کاهش هزینه‌های نظارت، تنظیماتی مانند جداسازی سپرده‌گذاری‌ها از سایر بخش‌های بانک و کنترل کیفیت سرمایه‌گذاری مناسب است (Hickson, 1996, and Turner). راهکاری که اصولاً از طرف بانک مرکزی دیده می‌شود، این است که سپرده‌های بانک‌ها را تضمین کنند. تجربه نشان داده‌است که تضمین سپرده‌ها، ناپایداری را در بانکداری افزایش می‌دهد، اما در عوض قانونمند کردن بانک پایداری را ارتقا می‌دهد (Llewellyn, 2008).

در زیر یکسری از اقدامات ضروری برای عبور بانک‌ها از شرایط بحران مالی آورده شده است:

- ۱) تمرکز بیشتر بر روی مدیریت نقدینگی.
- ۲) تأکید بیشتر بر مدل‌های بانک‌ها روی آزمون‌های فشار.
- ۳) ایجاد شفافیت بیشتر در بانک.
- ۴) استفاده بیشتر از ابزارها و فعالیت‌های خارج از ترازنامه.
- ۵) نظارت بیشتر بر تنظیمات دولت در درون بانک‌ها (Llewellyn, 2008).

تجربه نشان داده است که ارزیابی دقیق و آزمون فشار این موقعیت‌ها غیرممکن است (Falconer, 2001). با توجه به این که بررسی و رتبه‌بندی تمام ریسک‌های بالقوه امکان پذیر نیست، لذا پیشنهاد می‌شود که روی موارد ضعف اصلی یا نقاط آسیب‌پذیرتری بیشتر تمرکز شود (Gai et al, 2007).

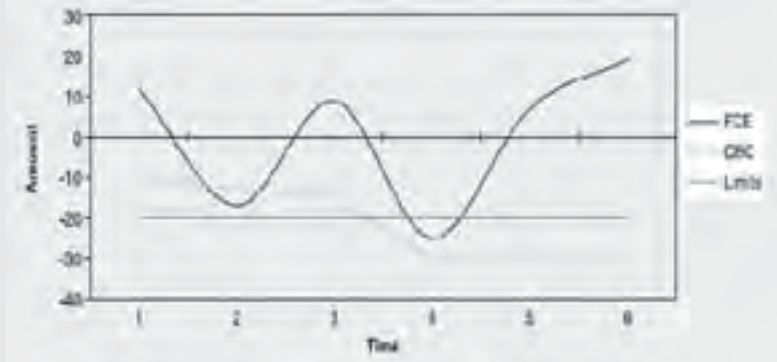
فعالیت‌های خارج از ترازنامه در بانک‌ها شامل موضوعاتی

در صورتیکه نتیجه گردش جریان‌های وجه نقد ورودی و خروجی مثبت باشد، مشکل کمبود نقدینگی وجود نخواهد داشت.

از وثیقه گذاشتن دارایی‌ها، تأمین مالی مجدد یا فروش  
تحمیل شده دارایی‌ها.

در جاهایی که  $FCE < CBC$  است، نیاز به تأمین مالی  
وجود دارد (مثلاً در دوره ۲ در نمودار بالا). تحت این شرایط  
است که احتمال بروز ریسک نقدینگی وجود دارد. بانک‌ها باید

شکل شماره یک  
کشف تأمین مالی کل



است مانند: جانشینی نامه اعتبار، گسترش تعهدات بانک‌ها،  
فروش وام‌ها همراه با منابع یا بدون آن‌ها و در اختیار داشتن  
ابزارهای مشتقات که از طرف خود بانک منتشر می‌شود. این  
موارد موجب می‌شوند که بانک مسأله تأمین مالی در شرایط  
بحرانی را بهتر حل کند (Llewellyn, 2008).

دولت هم باید به گونه‌ای عمل کند که بانک‌ها  
نتوانند نسبت به وام گیرندگان خوش خیالی داشته باشند  
(Clementi, 2001). بانک مرکزی باید به دنبال این  
باشد که چهارچوب روشنی را ایجاد کند (Gai et al, 2007).  
نوآوری‌های مالی نیز می‌توانند عدم توازن در ساختار  
منابع و دارایی‌های بانک را کاهش دهند، نقدینگی بانک  
را افزایش دهند و ریسک عدم نقدینگی را پایین بیاورند  
(Hazli Zakaria and Ismail, 2008).

### مدیریت ریسک نقدینگی

بانک زمانی که در موقعیت توضیح داده شده قرار  
گیرد، تلاش می‌کند تا از طریق سرمایه‌گذاری مجدد، خود  
را از خطر موجود نجات دهد، اما زمانی که چندین بانک  
در این وضعیت قرار دارند و به دنبال افزایش سرمایه برای  
حذف وام‌های بد هستند، این کار غیرممکن می‌شود و  
بانک‌ها سرمایه‌گذاران کمی را می‌یابند که آماده باشند  
بدهی‌هایشان را بخرند. در نتیجه، بانک در حلقه‌ای قرار  
می‌گیرد که نقدینگی‌اش کاهش می‌یابد و نهایتاً منجر به  
عدم توان بازپرداخت بدهی‌ها می‌شود. در این موقعیت،  
آن‌ها باید یک روش مدیریت حرفه‌ای را بکار برند که  
ریسک نقدینگی جریانات نقد و تأمین مالی‌شان را مورد  
توجه قرار دهد.

ریسک نقدینگی باید به عنوان بخشی از فرایند  
مدیریت ریسک گسترده و یکپارچه‌ای محسوب  
شود که ریسک بازار و ریسک اعتباری را نیز در بر  
می‌گیرد. مدیریت ریسک نقدینگی باید با دید پویا  
بررسی شود.

تلاش برای افزایش بیشتر سرمایه نمی‌تواند پاسخ درستی  
به مسایل تأمین مالی باشد. آن چه در این رابطه مهم است،  
همانا اندازه‌گیری و نظارت بر ریسک نقدینگی به‌طور مستمر  
برای بهبود ترازنامه است.

### تنظیم سناریو

باید سناریویی در این رابطه تهیه شود که بر هر سه جزء  
ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری و ریسک بازار اثر بگذارد.  
نیازهای تأمین مالی آینده بر اساس مدیریت وجوه نقد روزانه  
در قالب ساختار دوره‌ای تحلیل شکاف تعیین می‌شود (شکل  
شماره یک). سناریو تأثیر تغییرات در ساختار دوره‌ای را نشان  
می‌دهد. اجزای این ساختار عبارتند از: کشف وجوه نقد آینده  
(Forward Cash Exposure-FCE) که یک روند دوره‌ای  
براساس جریانات نقد محتمل و بالقوه ناشی از تعهدات بانک  
است، و ظرفیت تراز شده معکوس (Counter-balancing Capacity-  
CBC)، یعنی توانایی افزایش وجوه با استفاده

تلاش برای تأمین مالی کافی نیست، باید  
ریسک را مدیریت کرد.



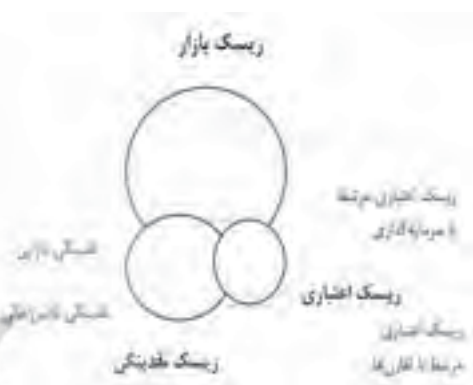
### نتیجه گیری

با تشخیص شرایطی که نقدینگی باعث ناپایداری می شود، می توان به موقعیت بانکها در شرایط بحرانی کمک کرد. وام‌های مشتریان نیاز به نقدینگی بالایی دارد و تأمین مالی برای آن‌ها پایداری را کاهش می دهد. در شرایط بحران در بازارهای مالی، بانک برای تأمین مالی وام‌ها با مشکل مواجه می شود و این موضوع در کنار سایر شرایط، منجر به ایجاد حالت کمبود نقدینگی در بانک می شود. بانک باید در کنار تلاش برای جلوگیری از چنین شرایطی، راهکارهایی نیز برای غلبه بر آن داشته باشد. بانک مرکزی هم باید نظارت خود را بر سیستم بانکداری افزایش دهد و تنظیمات قوی تری را اعمال کند.

پتانسیل های مالی را که در اختیارشان است، مشخص کنند و براساس آنچه در بخش راهکارها ارائه شد، عمل نمایند. FCE هم می تواند توسط عوامل بازار و هم توسط عوامل اعتباری بوجود آید. برای مثال، نرخ های شناور برای پرداخت ها یا تغییرات اعلام وصول (ریسک بازار) و اتمام اعتبار بسته به توانایی طرف مقابل در پرداخت ها است (ریسک اعتباری). CBC می تواند وابسته به ارزش دارایی ها باشد و به مدیریت دارایی ها و بدهی ها کمک کند. هر ریسکی مانند ریسک بازار و ریسک اعتباری می تواند در جریان نقد بانک اثر بگذارد و بنابراین، بانک ها نیاز به چهارچوبی دارند که این عوامل را در برگرد (شکل شماره دو)

شکل شماره دو

همپوشانی ریسک بازار، اعتباری و نقدینگی



شاید ذکر است که نقدینگی در مراحل ابتدایی، همان دارایی هایی است که برای برآوردن نقدینگی فوری در دسترس است.

### منابع

- 1) خدادادی اکبر: "بحران مالی جهانی از دیدگاه بانک توسعه اسلامی"، خبرنامه همایش بحران جهانی - فرصت ها و چالش ها، دی ماه ۸۷.
- 2) دارمین جین و بیسادا یوسف ف: "مدیریت دارایی و بدهی، راهنمایی برای خلق ارزش و کنترل ریسک"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.
- 3) Hickson Charles and Turner John: "Banking Regulation's Impact on Industry Monopoly and Risk", European Business Review, Volume 96, No 5, 1996, pp. 34-42.
- 4) Fiedler Robert and Karl Brown and James Moloney: "Liquidity Risk: What lessons can be learnt from the crisis in Japan's banking system", Balance Sheet 2002, Volume 10, No 1, pp. 38-42.
- 5) Clementi David: "Financial Markets: Implication for Financial Stability", Balance Sheet 2001, Volume 9, No 3, pp. 7-12.
- 6) Gai Prasanna, Jenkinson Nigel and Kapadia Sujit: "Systemic Risk in Modern Financial Systems: Analytics and Policy Design", The Journal of Risk Finance, Vol. 8 No. 2, 2007, pp. 156-165.
- 7) Falconer Bob: "Structural Liquidity: The Worry Beneath The Surface", Balance Sheet, Volume 9, No. 3, 2001, pp. 13-19.
- 8) Hazli Zakaria Roza and Ismail Abdul Ghafar: "Does Islamic banks' securitization involvement restrain their financing activity?", Humanomics, Vol. 24 No. 2, 2008, pp. 95-109.
- 9) Llewellyn David T: "The Northern Rock Crisis: A Multi-dimensional Problem Waiting to Happen", Journal of Financial Regulation and Compliance, Vol. 16 No. 1, 2008, pp. 35-58.
- 10) Mansoor Khan M. and Ishaq Bhatti M.: "Islamic Banking and Finance: On its Way to Globalization", Managerial Finance, Vol. 34 No. 10, 2008, pp. 708-725.